

## انواع سرمایه‌ها، حلقه مفقوده در تبیین شادکامی دانشجویان (دانشجویان دانشگاه تبریز)

محمد عباس‌زاده\*، محمدباقر علیزاده\*\*، کمال کوهی\*\*\*، پروین علی‌پور\*\*\*\*

**مقدمه:** امروزه شادمانی به یکی از شاخص‌های توسعه جوامع تبدیل شده است. وقتی شادی در ارتباط با دانشجویان به‌عنوان قشر پر جنب‌وجوش جامعه مطرح می‌شود، اهمیت آن دوچندان می‌شود. در پژوهش حاضر، میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه تبریز و برخی از عوامل مؤثر بر آن بررسی شده است.

**روش:** در تحقیق پیمایشی حاضر از بین تمام دانشجویان دانشگاه تبریز (۲۴ هزار نفر) در تمامی مقاطع تحصیلی (۱۳۹۰-۱۳۸۹) ۳۷۸ نفر (با فرمول کوکران) به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. جهت سنجش شادی دانشجویان از پرسش‌نامه ۲۹سوالی آکسفورد استفاده شد و همبستگی آن با انواع سرمایه بررسی شد.

**یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که: ۱. میانگین شادکامی دانشجویان دانشگاه تبریز در سطح متوسط به بالا قرار دارد؛ ۲. بین ابعاد سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی با شادکامی دانشجویان هم‌بستگی معنی‌دار و مستقیم وجود دارد؛ ۳. براساس نتایج رگرسیون، متغیرهای مستقل وارد شده به مدل رگرسیونی (سرمایه اقتصادی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه فرهنگی) ۳۹ درصد از واریانس متغیر شادکامی دانشجویان را تبیین کرد.

**بحث:** از بین انواع سرمایه‌ها، سرمایه اجتماعی بیشترین نقش را در تبیین شادکامی دانشجویان داشت و در میان ابعاد سه‌گانه سرمایه اجتماعی، بُعد انسجام اجتماعی در قیاس با ابعاد دیگر آن تأثیر بیشتری بر شادکامی دانشجویان دارد. همچنین تأثیر سرمایه فرهنگی بر شادکامی بیشتر از سرمایه اقتصادی بود و سرمایه اقتصادی کمترین تأثیر را در تبیین واریانس شادکامی داشت. در مجموع، می‌توان گفت برای افزایش شادکامی دانشجویان، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی، مهم‌تر از مؤلفه‌های سرمایه اقتصادی قلمداد می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** دانشجویان، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، شادی.

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۸/۰۸

\* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه تبریز. <m.abbaszadeh1@yahoo.com> (نویسنده مسئول)

\*\* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه تبریز.

\*\*\* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه تبریز.

\*\*\*\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی پیام نور، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران.

## مقدمه

شادی یکی از هیجانان مثبت است که در مقابل هیجانان منفی مانند افسردگی و اضطراب و یأس قرار دارد. همان‌طور که افسردگی و یأس بر عملکرد افراد تأثیر منفی می‌گذارد، توجه به شادی و نشاط اجتماعی، بر عملکرد و بهره‌وری افراد تأثیر مثبت گذاشته و باعث افزایش آن در جامعه می‌شود و راه را برای توسعه و پیشرفت جامعه هموار می‌کند. نشاط اجتماعی، قبل از هر چیزی بر روابط اجتماعی افراد اثر مثبت می‌گذارد. نشاط اجتماعی بالا با اعتماد اجتماعی بسیار خوب همراه است که به تعاملات و مشارکت اجتماعی بیشتر منجر شده و زمینه را برای هم‌بستگی و انسجام اجتماعی بهتر مهیا می‌سازد. ونه‌وون (۱۹۹۳) مطرح می‌کند شادی فعالیت فرد را بر می‌انگیزد و روابط اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌کند. همچنین، باعث می‌شود نگرش افراد به محیط پیرامون مثبت‌تر شده و در تعارضات اجتماعی زودتر به توافق برسند. لیون کچین، مؤسس باشگاه شادی، شادی را این‌گونه تعریف می‌کند: شادی احساس بهزیستی درونی است که افراد را برای سودبردن از تفکرات، هوش، خودآگاهی، حس مشترک و ارزش‌های معنوی توانا می‌سازد. شادی عبارت است از هیجان مثبتی که از دو بُعد رفتارهای اجتماعی و رضایت درونی تشکیل شده و می‌تواند احساس نشاط فرد را نشان دهد (زارعی، ۱۳۸۸).

با توجه به تعریف مارتین<sup>۱</sup>، شادی فراتر از دریافت لذت‌های فوری و لحظه‌ای است. شادی حالتی است که فرد در آن حالت، به این احساس و باور می‌رسد که زندگی او در مسیری صحیح و خوب جریان دارد (علوی، ۱۳۸۸). آمارهای پایگاه داده شادمانی در جهان (۱۹۹۵-۲۰۰۵) نشان می‌دهد ایران با نمره ۵۱ از ۱۰۰، جزو کشورهای متوسط از لحاظ شادی و در ردیف ممالکی چون فیلیپین، هند، لهستان و کره جنوبی قرار دارد (موسوی، ۱۳۸۷). در این راستا، نتایج بررسی‌های جعفری و همکاران در ایران که روی ۶۰۸۹ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و با استفاده از تست آکسفورد انجام شد، نشان

1. Martin

داد در مقیاس ۰ تا ۸۷، میانگین شادمانی دانشجویان ۴۵/۸۲ بوده است. در پژوهش ظهور و فکری روی ۳۰۳ نفر از دانشجویان در تهران که با استفاده از تست آکسفورد انجام شد نیز، میانگین ۴۲ به دست آمد. همچنین، یافته‌های مطالعه فرهادی و همکاران بر ۱۵۰ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، نشان داد ۱۸/۷ درصد دانشجویان از میزان نشاط خوبی برخوردار بودند (شریفی، ۱۳۸۹). نتایج مطالعات نشان می‌دهد وضعیت نشاط و شادمانی بین دانشجویان چندان مطلوب نبوده و برای دانشگاه‌ها مسئله‌ای اجتماعی محسوب می‌شود. نبود نشاط و شادکامی در محیط دانشگاهی، ضربات سنگینی بر چرخ‌های توسعه کشور وارد می‌کند و اگر شادی و ابراز نشاط از راه‌های صحیح آن ارتقا یابد، زمینه را برای توسعه انسانی و جامعه فراهم می‌کند. نشاط اجتماعی با فعال بودن و پر جنب‌وجوشی نسل جوان و دانشجو ارتباط مستقیم دارد. اگر در این زمینه برنامه‌ریزی درست انجام شود، زمینه را برای بالندگی این قشر و بهره‌وری و دانشجویی مهیا می‌سازد، ولی چنانچه برنامه‌ای برای این بُعد از زندگی دانشجویان وجود نداشته باشد و وسایل مناسب و پذیرفته شده‌ای را برای رسیدن به این هدف در اختیار دانشجو قرار نگیرد، چه‌بسا به گفته مرتون از وسایل و راه‌های نامشروع برای شادی استفاده خواهند کرد که زمینه بسیاری از نابسامانی‌ها و انحرافات را فراهم خواهد کرد.

دانشگاه تبریز یکی از ده دانشگاه برتر ایران است که در پرورش و تعلیم متخصصان و مسئولان فردای جامعه، نقش حیاتی دارد. به همین دلیل، انتظار می‌رود فارغ‌التحصیلان این دانشگاه، از نظر علمی و اخلاقی و روحی، خیره و شایسته باشند. لذا در کنار توجه به کیفیت تحصیلی ستاده‌های آن، توجه به ابعاد کیفی انسانی از جمله بانشاط بودن‌شان از اولویت خاصی برخوردار است. واقعیت این است که افسردگی و نومی‌دی از شاخص‌هایی است که امروزه، در دانشگاه‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. با توجه به این امر، پژوهش حاضر با این سؤال آغاز می‌شود که میزان نشاط اجتماعی یا شادی بین دانشجویان چقدر است؟ و چه عواملی بر این شادی تأثیرگذار است و راهکارهای ارتقای آن چیست؟

## مبانی نظری و تجربی

در تعریف شادی، برخی به احساسات و عواطف توجه خاصی نشان می‌دهند و شادی را احساسات یا هیجانات مثبت قلمداد می‌کنند، مانند برادبورن<sup>۱</sup> که شادی را چنین تعریف می‌کند: میزان احساسات مثبت (خوشی و لذت و...) منهای احساسات منفی (ترس، استرس، دلهره و...). بعضی نیز تعریف شناختی از شادی ارائه می‌دهند. در این دسته از تعاریف، ارزیابی مثبت و رضایت از کل زندگی مطرح است. در تعاریفی نیز از ترکیب این دو تعریف استفاده می‌شود. آنچه مسلم است، این است که شادی به طور کلی، حداقل از سه جزء تشکیل شده است: وجود هیجانات مثبت، نبود تأثیرات منفی و رضایت. هریک از سه جزء یاد شده، قسمت مهمی از ساختمان شادی را تشکیل می‌دهد. دو مؤلفه اول، منعکس‌کننده جنبه‌های عاطفی است و به خوشی و لذت مربوط می‌شود؛ درحالی‌که مؤلفه سوم عمدتاً شناختی است و براساس ارزیابی از اوضاع زندگی فرد در حال و گذشته اوست. اجزای مربوط به خوشی و لذت شادی، به افزایش احساسات مثبت و کاهش احساسات منفی اشاره دارد؛ اما در زمینه مؤلفه شناختی شادی، ناهمگونی نسبی وجود دارد. این مؤلفه به دستیابی به هدف با تأکید بر رضایت از زندگی و معنا در زندگی مربوط می‌شود (گروبر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱).

یکی از دیدگاه‌های مرتبط با شادکامی، نظریه گیدنز در خصوص مدرنیته و پیامدهای آن است. گیدنز معتقد است مدرنیته احتمال خطر را در بعضی حوزه‌ها کاهش داده است؛ اما خطرات و ناامنی‌های دیگری را جایگزین آن کرده است. از عوامل تهدیدکننده شادمانی از نظر گیدنز عبارت است از: ۱. تهدیدهای خشونت‌آمیز ناشی از صنعتی شدن جنگ؛ ۲. متزلزل شدن ریشه‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی؛ ۳. احساس ناامنی و اضطراب وجودی. از عوامل تأمین‌کننده شادمانی از نظر وی نیز می‌توان به اعتماد همراه با احتیاط به نظام‌های انتزاعی و اعتماد و وانهادن امور زندگی به دست نظام‌های تخصصی و دگرذیسی

1. Bradburn

2. Gruber

صمیمیت و شکل‌گیری رابطه ناب نام برد (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷). برخی نظریات جامعه‌شناسی هم، پدیده شادمانی را در ارتباط با نظام‌های چهارگانه، یعنی نظام اقتصادی، نظام فرهنگی، نظام اجتماعی و سیاسی مطرح می‌کنند. طبق این دیدگاه، چنانچه هریک از چهار نظام اصلی جامعه، پاسخ‌گوی مؤثر علایق افضل (علایق معیشتی، امنیتی، معاشرتی و شناختی) فرد و جامعه باشد، نوعی احساس مثبت ایجاد می‌کند که زمینه‌ساز شادمانی افراد است؛ یعنی کارکرد صحیح حوزه اقتصادی تولید احساس بهبودی و آسایش است. همین‌طور حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی هریک به‌ترتیب منشأ بروز احساس عدالت و امنیت، احساس هم‌بستگی اجتماعی و احساس عزت و احترام می‌شوند (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷). البته پیامد مثبت عملکرد هر حوزه جامعه، تا حدودی موقوف به عملکرد سایر حوزه‌هاست؛ یعنی توسعه متوازن و همگون هر چهار حوزه، در سطح فردی سبب‌ساز احساسات مثبت در هر چهار حوزه می‌شود. در غیر این صورت، توسعه ناموزون در برخی کشورهای در حال گذار، نه تنها موجب شادمانی نمی‌شود، بلکه ناخرسندی اجتماعی را برای اکثر آحاد جامعه فراهم می‌کند. پس شادی، با حالات تأثیرگذار مثبتی همچون خوش‌بینی و تفکر مثبت و ادراک شخصی از رفاه مشخص می‌شود و منابع مختلفی مانند اوضاع اجتماعی در تولید شادی مؤثر است (کریستی میزل، ۲۰۰۸).

اولین عامل تأثیرگذار در ایجاد شادمانی که در تحقیق حاضر به آن پرداخته شده است، سرمایه اجتماعی است. ریچاردز (۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی یا هم‌بستگی اجتماعی را چگونگی شبکه روابط اجتماعی<sup>۲</sup>، دوستی‌ها، احساس کنترل شخصی و اعتماد اجتماعی می‌داند. به عقیده او، سرمایه اجتماعی بیش از سرمایه انسانی (سطح تحصیلات، درآمد، موقعیت اجتماعی فرد و...) بر میزان شادمانی افراد جامعه اثر می‌گذارد (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱).

1. Christie-Mizell

2. social connectedness

به اعتقاد کاواچی<sup>۱</sup>، سرمایه اجتماعی به منابع در دسترس در ساختارهای اجتماعی از قبیل اعتماد و هنجارهای روابط متقابل<sup>۲</sup> و اهداف مشترک اشاره دارد که افراد را برای کنش‌های جمعی آماده می‌کند (کاواچی، ۲۰۰۱).

به نظر هارفام<sup>۳</sup>، سرمایه اجتماعی دارای بُعدی ساختاری (شبکه‌ها، معاشرت، زندگی انجمنی و مشارکت مدنی) و بُعدی شناختی (حمایت درک شده، اعتماد، انسجام اجتماعی و درگیری مدنی دریافت شده) است. هارفام معتقد است سرمایه اجتماعی، عوامل استرس‌زا و خطرزا را در رابطه با سلامتی کاهش می‌دهد (تورنر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳).

ترنز نیز سرمایه اجتماعی را به معنی عضویت افراد در گروه‌های رسمی و غیررسمی و همچنین نهادهای رسمی و غیررسمی، درجه انسجام اجتماعی، هم‌بستگی اجتماعی، تراکم عضویت اجتماعی در گروه‌های محلی، کلیسا، انجمن‌های داوطلبانه، روابط و پیوندهای اجتماعی متقابل و اعتماد اجتماعی در نظر می‌گیرد. از نظر وی، سرمایه اجتماعی ممکن است استرس روانی ایجاد کند و استرس روانی باعث مریضی و افسردگی می‌شود. گرانت و توماس بر این باورند که سرمایه اجتماعی، عوامل استرس‌زا را در زندگی کاهش داده و خطر آن را کم می‌کند. همچنین، سرمایه اجتماعی حوادث منفی زندگی چون ازدست‌دادن شغل در زندگی را کاهش می‌دهد (هارفام، ۲۰۰۳).

پوتنام و همکاران دریافتند افرادی که از نظر روابط اجتماعی مهارت بیشتری دارند و بهتر با مردم رابطه برقرار می‌کنند، از افرادی که از نظر مالی غنی‌تر، ولی روابط اجتماعی مطلوبی ندارند، شادمان‌تر هستند (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱).

دومین عامل مؤثر در ایجاد شادمانی که در تحقیق حاضر بررسی شده است، سرمایه اقتصادی است. برخی تئوری‌ها و دیدگاه‌های مطرح شده در حوزه شادمانی، به میزان و چگونگی تأثیر عوامل عینی و بهبود شرایط مادی بر سطح شادمانی افراد پرداخته است. بیشتر نتایج این مطالعات نشان داده است شرایط عینی، به‌خودی‌خود نقش تعیین‌کننده‌ای در سطح

1. Kawachi

2. norme of reciprocity

3. Harpham

4. Turner

شادمانی افراد ندارند. یکی از پیروان این دیدگاه، لین (۲۰۰۰) است که اعتقاد دارد تأکید بر پول، به حاشیه رانده شدن حوزه‌های خصوصی و خودمانی و در نتیجه، تشدید اضطراب‌ها و کاهش رضایت و شادمانی منجر شده است. اوت (۲۰۰۱) در نقد نظر لین، اظهار می‌کند به واسطه گسترش آزادی‌ها، اثرات منفی بازار و پول بر شادمانی جبران شده که این امر نیز، به ثابت ماندن سطح شادمانی منجر شده است. اینگلهارت در این رابطه، تغییر در شرایط حیات عینی انسان‌ها را به دو بخش کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرده و استنباط می‌کند تغییر وضعیت عینی در کوتاه‌مدت، ممکن است احساس آبی رضایت یا نارضایتی به دنبال داشته باشد؛ اما در بلندمدت و با افزایش امنیت اقتصادی و جانی افراد در جوامع، به مرور اهداف فرامادی جای اهداف مادی را گرفته و در این اوضاع، سطح بالای درآمد نقش خود را در بالا بردن سطح شادمانی افراد از دست می‌دهد (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷).

اکثر مطالعات رفاه ذهنی و شادی، از درآمد برای معرفی پول و ثروت استفاده می‌کنند. جورج<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) با بررسی بیش از بیست مطالعه متوجه شد روابط بین دو متغیر درآمد و رفاه ذهنی مثبت و اغلب قوی است؛ با این حال، در روابط چند متغیره، رابطه بین درآمد و رفاه ذهنی کمتر ظاهر می‌شود. در مطالعات الویل<sup>۲</sup> نیز اثر معنی‌داری بین درآمد و رفاه ذهنی برای مردان مسن‌تر گزارش شده است؛ ولی برای زنان مسن‌تر، این رابطه معنی‌دار به دست نیامده است. در گزارش لاباربرا<sup>۳</sup> و گورهان<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) نیز، درآمد کم در شادی افراد مذهبی تأثیر مثبت داشته است، ولی درآمد زیاد، تأثیر منفی بر میزان رفاه ذهنی‌شان نشان داد.

ونهوون (۱۹۹۱) مطرح می‌کند درآمد، به تأمین نیازهای معین افراد کمک می‌کند؛ بنابراین از عوامل شادی و بهزیستی ذهنی افراد است. برخلاف او، مایرز و داینر (۱۹۹۵) مطرح کردند ممکن است نداشتن درآمد و پول عامل بدبختی باشد؛ اما رابطه بین پول و شادی و بهزیستی ذهنی، به هیچ وجه تک‌خطی و مثبت نیست. بنا بر نظر دیگر محققان، اهمیت مقایسه اجتماعی بر رابطه بین پول و شادی اثر می‌گذارد. محققان نشان داده‌اند

1. George

2. Elwell

3. La Barbera

4. Gurhan

ادراک و برداشت فرد از درآمد خود، به درآمد او در گذشته و درآمد افراد دیگر بستگی دارد؛ بنابراین، بهزیستی ذهنی فرد بستگی به درآمد مقایسه‌ای خود دارد (هیشه<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱).

عوامل اقتصادی، هدفی برای شادی نیست؛ بلکه به مثابه ابزاری برای دستیابی به انواع دیگری از اهداف اجتماعی است. استدلال این است که اقتصاد و درآمد، به افراد جامعه اجازه می‌دهد تا به زندگی بهتر و مرفه دست یابند. پول می‌تواند بیمارستان‌ها، مدارس، زیرساخت‌ها و... را تأمین کند، ولی نقش آن در ایجاد شادی مشخص نیست. کمپیل و راجرز (۱۹۷۶) اشاره می‌کنند، به‌رغم رشد عظیم اقتصادی در کشورهایمانند ایالات متحده، مردم این جامعه، جامعه را بدون مشکلات اجتماعی تجربه نمی‌کنند. در واقع، علی‌رغم افزایش رفاه، برخی مشکلات هم افزایش یافته است گندلیچ<sup>۲</sup> و کرینر<sup>۳</sup> (۲۰۰۴). اقتصاددانان با مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که در طول پنجاه سال گذشته، با وجود افزایش ثروت مادی کشور، سطح خوشبختی امریکاییان در طول همان دوره زمانی ثابت مانده است (موگیلنر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). براساس تعدادی از نظرسنجی‌ها، کمپیل و همکاران متوجه شدند درصد امریکایی‌هایی که گفته‌اند بسیار خوشحال‌اند، به‌رغم رشد اقتصادی کاهش یافته است (گندلیچ و کرینر، ۲۰۰۴).

در زمینه تأثیر وضعیت اقتصادی بر میزان شادمانی، نتایج متفاوتی از تحقیقات به‌دست آمده است. داینر<sup>۵</sup>، سو، لوکاس<sup>۶</sup> و اسمیت<sup>۷</sup> گزارش کرده‌اند که مردم کشورهای ثروتمند بسیار شادتر از مردم کشورهای فقیرند؛ اما مایرز (۲۰۰۰) بیان می‌کند که بین سطح درآمد و شادی در مردم امریکا و کانادا و اروپا هم‌بستگی ضعیفی وجود دارد. آرجیل (۱۹۹۹) معتقد است بین درآمد و شادمانی ارتباط مثبت وجود دارد؛ اما پژوهش‌های وی نشان می‌دهد این ارتباط بین اقشار کم درآمد بیشتر است؛ یعنی درآمد تا اندازه‌ای که نیازهای مادی افراد را برطرف می‌سازد، بر شادمانی تأثیر دارد. این در حالی است که درآمد بیش از حد نیاز،

1. Hsieh  
4. Mogilner

2. Gundelach  
5. Diener

3. Kreiner  
6. Lucas

7. Smith



شادمانی را افزایش نمی‌دهد (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱). به اعتقاد داینر هم، داشتن غذا و سرپناه و امنیت از پایه‌های اصلی رضامندی و شادی به‌شمار می‌رود؛ ولی زمانی که افراد از این امکانات اولیه برخوردار باشند و ضروریات زندگی خود را تأمین کرده باشند، دیگر ثروت نقش اساسی ندارد (کریمی نوری، ۱۳۸۱). بنابراین، ثروت مانند سلامت است، فقدان آن بدبختی و ناشادمانی به‌بار می‌آورد؛ ولی داشتن آن هیچ‌گونه ضمانتی برای خوشبختی نیست.

می‌هالایی (۱۹۹۷) در رابطه تأثیر پول بر شادی معتقد است: ۱. افراد خیلی زود به سطح درآمد خود عادت می‌کنند؛ ۲. بیشتر مردم، درآمد و دارایی خود را با درآمد و دارایی دیگران مقایسه می‌کنند؛ ۳. ثروت شاید برای زندگی مفید باشد؛ اما انسان نیازهای دیگری نیز دارد که با پول قابل مقایسه و خریداری نیستند (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱).

موگیلنر (۲۰۱۰)، با مطالعه نمونه ۱۲۷ نفر دانشجوی نشان داد، از نظر بیشتر دانشجویان، پول برای دستیابی به رؤیای امریکایی و شادی به‌عنوان حق مسلم افراد جامعه، بسیار حیاتی است. البته از نظر بسیاری از محققان روان‌شناسی رابطه ضعیفی بین پول و خوشبختی وجود دارد. اقتصاددانان دریافته‌اند سطح خوشبختی امریکایی‌ها در طول پنجاه سال گذشته، باوجود افزایش ثروت مالی کشور در طی همان سال‌ها ثابت مانده است (موگیلنر، ۲۰۱۰).

از شاخص‌های سرمایه اقتصادی، درآمد و اشتغال است. وجود بیکاری در جامعه، حتی برای کسانی که به کار اشتغال دارند، استرس آور و شادمانی زداست. بلنچ فلور<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) یکی از دلایل این امر را ترس از بیکار شدن می‌داند. دلیل دیگر این است که با افزایش بیکاری، میزان مالیات‌ها هم سیر صعودی پیدا می‌کند؛ زیرا وجود بیکاری به سرمایه‌گذاری دولت‌ها برای اشتغال‌زایی منجر می‌شود و یکی از منابع تأمین اعتبارات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های دولت نیز اخذ مالیات از شاغلان است (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱).

سومین عامل مؤثر در ایجاد شادمانی که در تحقیق حاضر بررسی شده است، سرمایه فرهنگی است. سرمایه فرهنگی بیشتر در زمره فعالیت‌های اوقات فراغت قرار می‌گیرد. معمولاً بین این فعالیت‌ها و شادی رابطه معنی‌داری وجود دارد و فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت شادی‌آفرین است. برای تبیین این مسئله، از دو تئوری می‌توان استفاده کرد: تئوری اول، مربوط به انتخاب‌گر بودن انسان است: از آنجاکه فرد با علاقه و آزادی عمل درباره فعالیت‌های اوقات فراغت و فرهنگی تصمیم می‌گیرد، حتی وقتی فرد را از نظر جسمانی آزار می‌دهد نیز موجب شادمانی او می‌شود. تئوری دیگر که نشاط‌انگیزی فعالیت‌های اوقات فراغت را تبیین می‌کند، تئوری انگیزش اجتماعی<sup>۱</sup> است؛ زیرا تمام فعالیت‌های اوقات فراغت، با وجود تنوع و تفاوت‌هایی که با هم دارند، به نحوی نیازهای اجتماعی را برآورده می‌کند. بندورا<sup>۲</sup> (۱۹۷۷) به شادی‌بخش بودن این فعالیت‌ها اشاره دارد. به نظر وی، وقتی افراد به این نوع فعالیت‌ها می‌پردازند، در حال انجام کاری هستند که می‌توانند آن را به خوبی انجام دهند یا لاقفل تصور می‌کنند که توانایی انجام آن را دارند؛ بنابراین سعی می‌کنند هرچه بیشتر به این فعالیت‌ها بپردازند و نهایتاً بر میزان شادمانی آن‌ها افزوده می‌شود (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱).

رسول ربانی و همکاران ۱۳۸۶، رابطه فرهنگ و شادی در زندگی روزمره ۳۸۴ سرپرست خانوار در شهر اصفهان را بررسی، کرده و نشان دادند بین سرمایه فرهنگی و میزان شادی رابطه معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶).

کشاورز و وفایان نیز بررسی عوامل تأثیرگذار بر میزان شادکامی را بین شهروندان یزدی انجام دادند. بین روابط اجتماعی و خانوادگی و نمرات شادکامی، ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود داشت (کشاورز و وفایان، ۱۳۸۶). رابطه بین سرزندگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با شادکامی در مردم شهر اصفهان عنوان تحقیق دیگری بوده که کشاورز و مولوی و کلانتری در سال ۱۳۸۴ انجام دادند. تحقیق نشان داد بین وضعیت اقتصادی با

1. social motivation

2. Bandura

شادکامی رابطه‌ای معنی‌دار وجود ندارد (کشاوری، ۱۳۸۷).

بررسی عوامل مؤثر در شادکامی کارکنان شرکت فولاد مبارکه در تحقیقی دیگر نشان داد شادکامی کارکنان، با فعالیت‌های هنری و مطالعه و مسافرت رابطه معنی‌داری داشته است (نشاط‌دوست، ۱۳۸۸).

موسوی در تحقیقی تحت‌عنوان بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادی در سطوح خرد و کلان در شهرستان‌های تهران، یزد، اردکان و میبد به روش پیمایشی و تحلیل ثانویه‌ای از نوع عرضی ملی (سال ۲۰۰۱-۱۹۹۶) نشان داد انزوای اجتماعی در سطح خرد و سرمایه اجتماعی در سطح کلان دارای اثرات مستقیم و چشمگیری بر شادمانی است. یعنی روابط همراه با اعتماد، یکی از تعیین‌کننده‌های مهم شادمانی است. بررسی‌های بیشتر در این رابطه نشان داد خانواده و دوستان، مهم‌ترین منبع تأمین‌کننده شادمانی افرادند که در شرایط فعلی، اغلب به‌عنوان پناهگاهی در مقابل ناامنی و آنومی و ناملازمات ناشی از محیط‌های خارجی نقش خود را ایفا می‌کنند (موسوی، ۱۳۸۷).

برادبرن<sup>۱</sup> و کاپلوتیز<sup>۲</sup> (۱۹۶۵)، شادمانی، را حاصل تعادل بین عواطف مثبت و عواطف منفی عنوان کرده و در پژوهش خود نشان دادند که فعالیت و مشارکت اجتماعی و موقعیت اجتماعی نسبت به عوامل محیطی، تأثیر بیشتری در افزایش شادمانی افراد دارد (جعفری، ۱۳۸۳).

فیلیپس<sup>۳</sup> (۱۹۶۷) مشارکت اجتماعی و شادمانی را بررسی و نشان داد مشارکت اجتماعی، موجب افزایش سطح شادمانی و سایر عواطف مثبت می‌شود (جعفری، ۱۳۸۳). کوپر و همکاران<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که فعالیت اجتماعی (فعالیت‌های گروهی)، با میزان نشاط رابطه مستقیمی دارد و هرچه تعداد فعالیت‌ها بیشتر باشد، بر شادی افراد افزوده می‌شود (جعفری، ۱۳۸۳).

1. Bradburn

2. Caplovits

3. Philips

4. Cooper

تحقیق هالر<sup>۱</sup> و هادلر<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۶ در تحلیلی مقایسه‌ای و بین‌المللی به این مسئله پرداخت که چگونه روابط و ساختار اجتماعی، شادمانی و ناشادمانی تولید می‌کند. موضوع مهم و محوری این تحقیق این است که شادمانی و رضایت از زندگی باید به‌عنوان محصول ویژگی‌های فردی از سویی و روابط و ساختار اجتماعی از سوی دیگر، بررسی شود. یکی از تفاوت‌های شادمانی و رضایت از زندگی این است که اولی حاصل فرایندی مادی و داشته‌ها و خواسته‌های اجتماعی و دومی حاصل تجربه‌ای مثبت به‌ویژه در روابط صمیمانه و نزدیک است. تمرکز این تحقیق بر اوضاع اجتماعی خرد و کلان است که به وجود آورنده یا از بین برنده شادمانی و رضایت است. فرض می‌شود روابط اجتماعی زیاد و نزدیک، مشارکت و موفقیت شغلی، ریشه‌های فرهنگی، مذهب و مشارکت در آن‌ها، موجب شادی و رضایت از زندگی باشد. عوام تأثیرگذار بر ابعاد کلان عبارت است از: موقعیت اقتصادی، ساختار اقتصادی نسبتاً برابر، دولت رفاه خوب و دموکراسی. ابعاد کلان بیشتر بر رضایت از زندگی تأثیرگذار است تا شادمانی. در این تحقیق، یک رگرسیون چندگانه مقایسه‌ای در تحلیل شادمانی ۴۱ کشور براساس داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی، در دنیا انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد مشارکت اجتماعی در سطح خرد و مشارکت فرهنگی یک فرد، به‌طور گسترده‌ای بر شادمانی وی تأثیرگذار است (نورآذر، ۱۳۸۹).

در زمینه تبیین شادکامی در راستای سرمایه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی می‌توان گفت ریچاردز، کاواچی، ترنر، پوتنام و... هر یک سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن را برای مطلوبیت میزان شادکامی مؤثر دانسته و معتقدند میزان سرمایه اجتماعی افراد، تعیین کننده میزان شادی آن‌هاست. در همین راستا، گیدنز معتقد است اعتماد در جامعه مدرن، یکی از عوامل تأمین کننده شادمانی افراد تلقی می‌شود. میزان درآمد و وضعیت اقتصادی از عوامل تأمین شادی و نشاط در جامعه مدرن است؛ ولی تأثیر آن محدود است. پول، درآمد، شغل و بیکاری از مؤلفه‌هایی است که تا حدی به افزایش رفاه

1. Haller

2. Hadler

اجتماعی منجر شده و میزان شادکامی را افزایش می‌دهد. آنچه اینجا مهم است، این است که صرف داشتن سرمایه اقتصادی زیاد، تضمین کننده شادمانی زیاد نیست و این مقوله در بسیاری از تحقیقات هم ثابت شده است. پس می‌توان گفت سرمایه اقتصادی هدفی برای شادی نیست؛ بلکه به مثابه ابزاری برای دستیابی به انواع دیگری از اهداف اجتماعی در جهت مطلوبیت و رضایت از زندگی است. سرمایه فرهنگی، بیشتر در زمره فعالیت‌های اوقات فراغت قرار می‌گیرد. معمولاً بین چنین فعالیت‌ها و شادی، رابطه معنی‌داری وجود دارد و فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت، شادی‌آفرین است. طبق نظریه‌های انگیزش اجتماعی و گزینش عقلانی، از آنجاکه فعالیت‌های اوقات فراغت و فعالیت‌های فرهنگی، فعالیت‌هایی است که فرد با علاقه و آزادی عمل درباره آن‌ها تصمیم می‌گیرد؛ حتی وقتی فرد را از نظر جسمانی آزار می‌دهد نیز موجب شادمانی او می‌شود. همچنین بندورا<sup>۱</sup> (۱۹۷۷) در همین راستا، بر شادی‌بخش بودن این فعالیت‌ها صحنه گذاشته است. نتایج تحقیقات خارجی و داخلی تحقیقات در زمینه شادکامی و انواع سرمایه‌ها نیز حاکی از این است که سرمایه‌ها و مؤلفه‌های آن، در زمره تأمین کننده شادکامی افراد محسوب می‌شود. در مجموع، نظریه‌ها و تحقیقات جامعه‌شناختی، پدیده شادمانی را در ارتباط با نظام‌های چهارگانه نظام اقتصادی، نظام فرهنگی، نظام اجتماعی و سیاسی مطرح می‌کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، سرمایه اقتصادی و فرهنگی با شادکامی انجام شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی

## روش

تحقیق کاربردی حاضر به روش پیمایشی<sup>۲</sup> در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۰ انجام شد. از بین تمام دانشجویان دانشگاه تبریز (۲۴ هزار نفر) در تمامی مقاطع تحصیلی (۱۳۸۹-۱۳۹۰)، ۳۷۸ نفر (با فرمول کوکران) به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند.

1. Bandura

2. survey method

در پژوهش حاضر، میزان شادمانی افراد براساس گویه‌های خوداظهاری افراد مطالعه شد. چنانچه دورکیم نیز در کتاب تقسیم کار اجتماعی خود بیان می‌کند، تنها خود فرد برای داوری در باب خوشبختی‌اش صلاحیت دارد: فرد اگر خودش را خوشبخت احساس کند، بی‌گمان خوشبخت است (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷).

در پژوهش حاضر، برای اندازه‌گیری شادی دانشجویان از پرسش‌نامه ۲۹ سؤالی آکسفورد استفاده شد. برای مشخص کردن ابعاد متغیر وابسته (شادی) از تحلیل عاملی استفاده شده است. نتایج تحلیل عاملی بر روی گویه‌های ۲۹ گانه شادی نشان می‌دهد ۲۹ گویه در پنج عامل قرار گرفته است. همچنین، نتایج بازگویی آن است که بُعد رضایت از زندگی با مقدار ویژه ۱۰/۵۶۱ و بُعد انرژی مثبت با مقدار ویژه ۳/۸۷۶، به ترتیب بیشترین و کمترین مقادیر ویژه را به خود اختصاص داده است (جدول ۱).

جدول ۱. نتایج مربوط به تحلیل عاملی و تحلیل روایی گویه‌های متغیر شادی

متغیر وابسته	ابعاد	گویه‌ها	بار عاملی	بارتاسیس و بارنسب شده	مقادیر ویژه	ضرایب روایی	درصد تبیین شده	ضریب روایی کل
شادی	کنترل از زندگی	از وضعی که در آن هستم، کاملاً لذت می‌برم.	۰/۷۵۳	۳۶/۴۱۷	۱۰/۵۶۱		۵۶/۰۸۸	۰/۶۳
		احساس می‌کنم آینده، سرشار از امید و خوشحالی است.	۰/۸۳۶			۰/۵۴		
		من بی‌نهایت خوشحال‌ام.	۰/۷۲۸					
		احساس می‌کنم زندگی سرشار از دلگرمی و تشویق است.	۰/۸۱۳					
		در مجموع، از همه چیز زندگی‌ام راضی‌ام.	۰/۶۹۸					
		به زندگی خود عشق می‌ورزم.	۰/۶۹۲					
		احساس می‌کنم کلاً بر تمام جنبه‌های زندگی‌ام کنترل دارم.	۰/۶۸۱					
		زندگی‌ام کاملاً معنی‌دار و هدفمند است.	۰/۵۳۰					
		فکر می‌کنم دنیا جای عالی برای زندگی است.	۰/۵۲۵					

مقیاس وابسته	ابعاد	گویه‌ها	بار عاملی	وارانس تبیین شده	مقادیر ویژه	ضرایب روانی	درصد تبیین شده	ضریب روانی کل
		همیشه حالت لذت‌بخش و شادی دارم.	۰/۵۰۵					
		آن‌قدر سلامت هستم که گویی در نقطه اوج جهان قرار دارم.	۰/۴۶۸					
		همواره با احساس راحتی از خواب بیدار می‌شوم.	۰/۴۶۲					
		همه وقایع گذشته برایم خوشایند است.	۰/۳۲۶					
رضای خاطر		همیشه با دیگران شوخی می‌کنم و ارتباط خوبی با دیگران دارم.	۰/۷۷۸	۶/۴۸۱	۱/۸۸			
		همیشه تأثیر خوب و نشاط‌آوری بر دیگران دارم.	۰/۷۶۹			۰/۵۴		
		فکر می‌کنم بسیار جذاب هستم.	۰/۵۹۲					
		همیشه خندان‌ام.	۰/۵۷۰					
رضای خود		همیشه تأثیر خوبی بر وقایع دارم.	۰/۴۳۵					
		می‌توانم هر کاری را به‌موقع انجام دهم.	۰/۷۵۲	۱/۴۱۹				
		احساس می‌کنم توانایی انجام هر کاری را دارم.	۰/۵۸۹	۴/۸۹۴			۰/۶۱	
		هر نوع تصمیم‌گیری برایم آسان است.	۰/۵۷۸					
رضای شغلی		هر چیزی را که خواسته‌ام، انجام داده‌ام.	۰/۵۷۷					
		همیشه متعهد و درگیر هستم.	۰/۵۳۶					
		به دیگران علاقه بسیاری دارم.	۰/۷۱۹	۴/۴۲۰	۱/۲۸۲		۰/۶۷	
		همه را دوست دارم و به همه عشق می‌ورزم.	۰/۶۷۵					
رضای زندگی		کل دنیا به‌نظر من زیباست.	۰/۵۶۸					
		هر چیزی من را شگفت‌زده می‌کند.	۰/۷۱۳	۳/۸۷۶	۱/۱۲۴		۰/۷۹	
		هرگز تا این حد، از نظر فکری و ذهنی، به‌اندازه این روزها هشیار نبوده‌ام.	۰/۵۴۶					
		احساس می‌کنم انرژی بدون حد و مرز دارم.	۰/۴۷۳					

KMO=۰/۹۴ Bartelet Test=۸۰۴/۵۱۸۷ df= 406 p=0.000

سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می شود. بورديو تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می دانست؛ لیکن گرایش به اشیای فرهنگی و جمع شدن محصولات فرهنگی نزد فرد را سرمایه فرهنگی می خواند. همچنین، وی سرمایه نمادین را جزئی از سرمایه فرهنگی می داند (فاضلی، ۱۳۸۲).

متغیر سرمایه فرهنگی، در قالب شانزده گویه با میزان روایی ۰/۹۲ در سطح سنجش رتبه‌ای سنجیده شد. این سنجش با معرف‌های زیر انجام شد: کار با اینترنت، مطالعه روزنامه و نشریات و مجلات، خواندن کتاب‌های داستانی و ادبیات، گوش دادن به موسیقی، تماشای فیلم و تئاتر و نمایش، رفتن به سخنرانی و کنفرانس‌ها و سمینارها، رفتن به موزه و نمایشگاه و فرهنگ‌سرا، جمع‌آوری تابلوهای نقاشی یا عتیقه‌جات، ورزش، آشنایی به زبان خارجی، تعداد مقالات منتشره و...

سرمایه اقتصادی: سرمایه اقتصادی شامل درآمد و بقیه انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوه نهادی پیدا می کند (فاضلی، ۱۳۸۲). سرمایه اقتصادی به میزان سرمایه مادی در نظام تولیدی اشاره دارد که به مفهوم مارکسی سرمایه نزدیک است (ممتاز، ۱۳۸۳).

سرمایه اقتصادی یکی از متغیرهای مستقل این تحقیق بود که برای سنجش آن، از چهار گویه در سطح طیف لیکرت و پنج گزینه‌ای استفاده شد. با توجه به اینکه شاخص‌های سرمایه اقتصادی به شکل عینی مطرح شده است؛ بنابراین نیازی به برآورد روایی برای شاخص‌های سرمایه اقتصادی نبوده است. شاخص‌های سرمایه اقتصادی شامل ارزش ریالی منزل مسکونی، ارزش ریالی ماشین شخصی در صورت وجود، ارزش ریالی ملک‌های تحت مالکیت غیر از منزل مسکونی و درآمد بود.

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی، مفهومی جمعی است که اساس و شالوده آن را تمایلات و نگرش‌ها و رفتار افراد تشکیل می دهد (موسوی و علی‌پور، ۱۳۹۱؛ به نقل از:



برهم و راهن، ۱۹۹۷). همچنین، سرمایه اجتماعی شامل آگاهی و اعتماد و هنجارهای نهفته در شبکه‌های اجتماعی است (همان)؛ بنابراین به تمام عواید و منابعی که افراد به واسطه موقعیت اجتماعی و عضویت و ارتباط تنگاتنگ خود با انواع شبکه‌ها و نهادها و سازمان‌ها به دست می‌آورند، سرمایه اجتماعی اطلاق می‌شود (غفاری، ۱۳۸۷). از نظر بوردیو، پانام، کلمن<sup>۱</sup> و فوکویاما<sup>۲</sup>، سرمایه اجتماعی شامل روابط متقابل، وجود هنجارهای مشترک، اعتماد و مشارکت در سطح گروه اجتماعی است (جواهری و باقری، ۱۳۸۶).

در این پژوهش، برای سنجش سرمایه اجتماعی از نوزده گویه شش گزینه‌ای در سطح طیف لیکرت استفاده شد. همچنین، برای مشخص کردن ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی از تحلیل عاملی استفاده شده است. قبل از شروع تحلیل عاملی باید معنی‌داری داده‌های موجود در یک ماتریس از طریق مربع کای بارتلت<sup>۳</sup> صورت گیرد. معنی‌دار بودن آزمون بارتلت حداقل شرط لازم برای تحلیل عاملی است. پیش‌فرض دیگر استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی آزمون کایزر<sup>۴</sup> است. بنابراین زمانی وان از تحلیل عاملی استفاده کرد که دو پیش‌فرض فوق درباره عامل‌های استخراج شده صدق داشته باشد؛ در غیر این صورت نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی گویای واقعیت نخواهد بود. نتایج هر دو آزمون بارتلت و کایزر بیانگر این واقعیت است که ایده تحلیل عاملی، ایده مطلوبی برای گویه‌هاست.

گفتنی است تحلیل عاملی با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی انجام شده است و از میان روش‌های مختلف، چرخش واریمکس به کار رفته است. براساس نتایج جدول ۲، بُعد انسجام اجتماعی با مقدار ویژه ۵/۳۲۸ و بُعد اعتماد اجتماعی با مقدار ویژه ۱/۷۳۸، به ترتیب بیشترین و کمترین مقادیر ویژه را به خود اختصاص داده است.

1. coleman

2. Fukuyama

3. Bartlett

4. Kaiser

جدول ۲. نتایج مربوط به تحلیل عاملی و تحلیل روایی گویه‌های متغیر سرمایه اجتماعی.

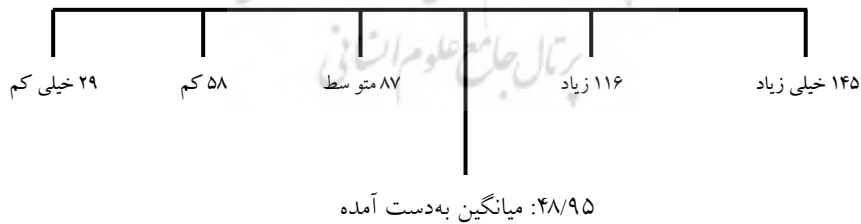
ضریب روایی کل	درصد تبیین شده	ضرایب روایی	مقادیر ویژه	واریانس تبیین شده	نر. عاملی	گویه‌ها	آبعاد	متغیر وابسته
۰/۸۵	۵۰/۶۵۸	۰/۷۶	۵/۳۲۸	۲۸/۰۴۰	۰/۷۰ ۰/۷۰ ۰/۶۸۲ ۰/۶۷۶ ۰/۶۵۷ ۰/۶۵۵ ۰/۴۱۷ ۰/۳۸۳ ۰/۳۰۱	- اگر مشکلی برایم پیش آید، دوستانم از من حمایت می‌کنند. - با فامیل‌های نزدیکم رفت‌وآمد خانوادگی دارم. - دوستانی دارم که هنگام نیاز با با آنها تماس می‌گیرم. - اگر مشکلی برایم پیش آید، فامیل و بستگانم از من حمایت می‌کنند. - معمولاً دوستانم مرا قبول دارند. - از مشارکت در فعالیت‌های جمعی لذت می‌برم. - در ارتباط با زندگی شخصی‌ام، به راحتی با نزدیکان خود صحبت می‌کنم. - اگر فردی مشکلی داشته باشد و از من کمک بخواهد، کمکش می‌کنم. - با دوستانم رفت‌وآمد خانوادگی هم دارم.	تسهیل‌کننده سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی

ضریب روایی کل	درصد تبیین شده	ضرایب روایی	مقادیر ویژه	واریانس تبیین شده	بار عاملی	گویه‌ها	ابعاد	متغیر وابسته						
		۰/۸۵	۲/۵۶۰	۱۳/۴۷۳	۰/۷۹۹	- معمولاً دیگران را برای رأی دادن در انتخابات تشویق می‌کنم. - در هیئت‌های مذهبی شرکت می‌کنم. - در انتخابات شوراهای مشارکت فعالانه‌ای دارم. - عضو انجمن‌های محلی (انجمن اسلامی و انجمن‌های خیریه و...) هستم. - اگر هیئت‌های مذهبی نیاز مالی داشتند، کمکشان می‌کنم.	مشارکت							
					۰/۷۹۴									
		۰/۸۲	۱/۷۳۸	۹/۱۴۶	۰/۷۹۰				- مردم چقدر به قول و قرارهای خود عمل می‌کنند. - مردم چه اندازه به حفظ و نگهداری امانت پایبندند. - مردم چه اندازه‌ای هنگام فروش اجناس خود، عیب و نقص اجناس و کالاهای خود را بیان می‌کنند. - به‌طور کلی چه اندازه می‌توان به مردم اعتماد کرد. - معمولاً افراد ارزش‌های اخلاقی را رعایت می‌کنند.	اعتماد				
۰/۷۸۷														
					۰/۶۱۴									
					۰/۸۶۷									
					۰/۷۵۷									
					۰/۷۳۹									
					۰/۷۲۷									
					۰/۵۲۶									
KMO= ۰/۹۴      Bartlett Test=۸۰۴/۵۱۸۷      df= ۴۰۶      p=۰/۰۰۰														

## یافته‌ها

۴۶/۲ درصد دانشجویان از نمونه آماری پسر و ۵۳/۸ درصد را دختران تشکیل دادند. این تعداد براساس تعداد کل پسران و دختران دانشجوی دانشگاه تبریز انتخاب شد. دامنه سنی شرکت کنندگان ۱۸ تا ۴۱ سال با میانگین سنی ۲۲/۱۱ بود. ۸۹/۳ درصد مجرد بودند. ۶۲/۵ درصد غیرخوابگاهی و از نظر مقطع تحصیلی نیز کارشناسی‌ها با ۷۳ درصد، کارشناسی ارشد با ۱۹/۱ درصد، دکتری ۶/۷ درصد و کاردانی ۱/۲ درصد نمونه را تشکیل می‌دادند. این تعداد براساس سهم هر یک از مقاطع تحصیلی در جامعه آماری انتخاب شده است. از نظر رشته تحصیلی و دانشکده محل تحصیل، بیشترین نمونه از دانشکده کشاورزی با ۱۵/۴ درصد و دانشکده علوم انسانی و اجتماعی با ۱۴/۴ درصد و کمترین تعداد دانشجو از پردیس بین‌المللی با ۲/۲ درصد، دانشکده دامپزشکی با ۳/۲ درصد و فیزیک با ۳/۵ درصد بود.

برای تعیین میزان شادی بین دانشجویان، از مقیاس استاندارد شادی اکسفورد استفاده شد که دربرگیرنده ۲۹ گویه پنج‌گزینه‌ای طیف لیکرت بود. در این مقیاس، نمره ۱۴۵ و ۲۹ به ترتیب نشان دهنده بیشترین و کمترین میزان شادی در دانشجویان است. براساس نتایج تحلیل توصیفی، میانگین خام این شاخص برای این دانشجویان ۹۵/۴۸ و میانگین درصدی آن ۵۷ درصد برآورد شده است. این مقدار بیان‌کننده آن است که میزان شادی بین دانشجویان، متوسط به بالاست. پیوستار زیر وضعیت شادی در دانشجویان را کامل منعکس می‌کند.



در تحقیق حاضر برای اندازه‌گیری متغیر سرمایه اجتماعی دانشجویان، از نوزده گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای با طیف شش قسمتی کاملاً موافق، موافق، تاحدی موافق، تاحدی مخالف، مخالف و کاملاً مخالف استفاده شد. نمره ۱۱۴ در این طیف، نشان دهنده بیشترین میزان سرمایه اجتماعی و نمره ۱۹ نشان دهنده کمترین میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان است. میانگین این شاخص برای دانشجویان مطالعه شده برابر ۷۴/۴۹ بود یعنی میزان سرمایه اجتماعی شرکت کنندگان متوسط به دست آمد. بررسی میزان سرمایه اجتماعی به تفکیک ابعاد آن، حاکی از این است که بیشترین میانگین مربوط به بُعد انسجام اجتماعی و کمترین میانگین نیز به بُعد اعتماد اجتماعی تعلق دارد.

جدول ۳. یافته‌های توصیفی متغیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

ابعاد سرمایه اجتماعی	تعداد گویه	میانگین خام	میانگین درصدی
انسجام اجتماعی	۹	۴۳/۲۴	۶۷/۵۶
مشارکت اجتماعی	۵	۱۶/۵۱	۵۵/۰۳
اعتماد اجتماعی	۵	۱۴/۷۱	۴۹/۰۳
سرمایه اجتماعی کل	۱۹	۷۴/۴۹	۶۵/۳۴

سرمایه فرهنگی دانشجویان نیز با شانزده گویه با مقیاس رتبه‌ای طیفی هفت قسمتی، شامل اصلاً، خیلی کم، کم، تا حدی کم، تا حدی زیاد، زیاد و خیلی زیاد اندازه‌گیری شد. در این مقیاس نمرهای ۰/۹۶، به ترتیب نشان دهنده بیشترین و کمترین میزان سرمایه فرهنگی است. میانگین این شاخص برای دانشجویان شرکت کننده برابر ۴۳/۴۴ است که بیان‌گر میزان سرمایه فرهنگی متوسط به پایین است.

سرمایه اقتصادی دانشجویان، با چهار گویه رتبه‌ای شش قسمتی، شامل ارزش ریالی، منزل مسکونی، ماشین شخصی، ملکی غیر از منزل مسکونی و درآمد ارزیابی شد. نمره‌گذاری برای منزل مسکونی و ماشین و ملک شخصی از ۰ تا ۵ بود؛ ولی با توجه به

اینکه برای هر فرد حداقل درآمدی وجود دارد، نمره‌گذاری برای درآمد از ۱ تا ۶ بود. بنابراین نمره ۲۱ در این طیف، نشان دهنده بیشترین میزان سرمایه اقتصادی و نمره ۱ نشان دهنده کمترین میزان سرمایه اقتصادی دانشجویان است. میانگین این شاخص برای دانشجویان مطالعه شده برابر ۸/۵۹ است که نشان می‌دهد میزان سرمایه اقتصادی پاسخ‌گویان در سطح پایینی است.

نتایج تحلیل هم‌بستگی متغیر میزان شادی دانشجویان و متغیرهای مستقل تحقیق نشان داد:

۱. سرمایه اجتماعی با میزان شادی دانشجویان هم‌بستگی معنی‌دار و مستقیمی دارد. به عبارت بهتر، هرگونه افزایش در سرمایه اجتماعی دانشجویان، با ارتقای سطح شادی دانشجویان همراه است. همچنین هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی، یعنی انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی با میزان شادی دانشجویان ارتباط تنگاتنگی داشت. در ابعاد سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی بیشترین هم‌بستگی و مشارکت اجتماعی کمترین هم‌بستگی را با شادی نشان داد (جدول ۴).
۲. سرمایه اقتصادی با میزان شادی دانشجویان ارتباط و هم‌بستگی معنی‌دار و مستقیمی داشت. شدت این هم‌بستگی در قیاس با متغیرهای دیگر تحقیق، کمتر و ضعیف‌تر است. پس برحسب نتایج می‌توان گفت هرچه سرمایه اقتصادی دانشجویان افزایش یابد، بر میزان شادی آن‌ها به شکل ضعیفی افزوده می‌شود و برعکس، سرمایه اقتصادی کم باعث کاهش میزان شادی بین آنان می‌شود (جدول ۳).
۳. هرگونه تغییر در سطح سرمایه فرهنگی، به تغییر در میزان شادی دانشجویان منجر می‌شود. به عبارت دیگر، هرچه سرمایه فرهنگی دانشجویان افزایش یابد، بر میزان شادی آن‌ها نیز افزوده می‌شود و برعکس (جدول ۴).
۴. سرمایه اجتماعی بیشترین ارتباط و سرمایه اقتصادی کمترین ارتباط را با میزان شادی دانشجویان داشته است.

جدول ۴. آزمون هم‌بستگی رابطه شادی با سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

ضریب همبستگی	متغیر
۰/۴۰۳*	شادی و اعتماد اجتماعی دانشجویان
۰/۵۰۳*	شادی و انسجام اجتماعی دانشجویان
۰/۳۱۴*	شادی و مشارکت اجتماعی دانشجویان
۰/۵۵۹*	شادی و سرمایه اجتماعی دانشجویان
۰/۱۴۷*	شادی و سرمایه اقتصادی
۰/۳۶۰	شادی و سرمایه فرهنگی

\* معنی‌دار در سطح ۰/۰۱

در پژوهش حاضر، شادی دانشجویان خود از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد و هریک از این متغیرهای پیش‌بین، عاملی برای برآورد جنبه‌های متفاوتی از متغیر ملاک به‌شمار می‌رود و می‌توان انتظار داشت که هریک از آن‌ها، سهمی در شکل‌گیری شادی دانشجویان داشته باشند. آزمون کولموگروف اسمیرنوف ( $Z=0/695$ ،  $p=0/7$ )، پیش‌فرض نرمال بودن توزیع را تأیید کرد.

برای آزمون مستقل بودن خطاها، از آزمون دوربین واتسون<sup>۱</sup> استفاده شد. دامنه تغییرات این آزمون بین صفر تا ۴ در نوسان است و معمولاً محدوده بین ۱/۵ تا ۲/۵ پذیرفتنی است. مقدار آماره دوربین واتسون برای مدل رگرسیونی پژوهش حاضر، ۱/۸۶ است که استقلال خطاها را نشان می‌دهد.

رابطه خطی بین متغیرها نیز با آزمون f بازبینی شد که مقدار  $p=0/001$ ، نشان دهنده وجود رابطه خطی بین متغیرهاست.

در تبیین شادی دانشجویان به‌عنوان متغیر ملاک یا وابسته، همه متغیرهای پژوهش مانند انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی به‌عنوان ابعاد سرمایه اجتماعی و سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی به‌عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله شد. برازش مدل

1. Watson-Dwrbin

رگرسیون متغیرهای تبیین کننده به روش گام به گام نشان داد متغیرهای مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و سرمایه فرهنگی در مدل رگرسیونی مانده و متغیر سرمایه اقتصادی از آن خارج شد. متغیرهای وارد شده به مدل، ۳۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. شادی، بیش از هر متغیر دیگری از متغیر اعتماد اجتماعی متأثر است. بعد از آن نیز متغیرهای مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی و سرمایه فرهنگی به ترتیب بیشترین نقش را در تبیین متغیر وابسته دارد (جدول ۵ و ۶).

جدول ۵. شماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه و خلاصه مدل رگرسیونی برازش شده

ضریب هم‌بستگی چندگانه	۰/۶۳
ضریب تبیین	۰/۴۰
ضریب تبیین شده تصحیح شده	۰/۳۹
اشتباه معیار	۱۴/۴۰
آزمون دوربین واتسون	۱/۸۶
کمیت $F=۵۳/۶۱۳$ مقدار $p=۰/۰۰۰$	

جدول ۶. آماره‌های متغیرهای باقی مانده در مدل برازش رگرسیونی

نام متغیرها	B	STD.B	BETA	T	p
سرمایه اقتصادی	۰/۱۵۷	۰/۱۰۸	۰/۰۶۵	۱/۴۵	۰/۱۴
انسجام اجتماعی	۱/۱۹	۰/۱۳۰	۰/۴۰	۹/۲۱	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی	۰/۶۳۲	۰/۱۷۶	۰/۱۶۵	۳/۵۹۲	۰/۰۰۱
مشارکت اجتماعی	۰/۴۹۳	۰/۱۳۳	۰/۱۶۴	۳/۷۱	۰/۰۰۱
سرمایه فرهنگی	۰/۲۱۶	۰/۰۷۱	۰/۱۴۰	۳/۰۳	۰/۰۰۳

## بحث

نتایج تحقیق حاضر نشان داد: ۱. هم‌بستگی کاملاً معنی دار و مستقیمی بین شادی و همه ابعاد سرمایه اجتماعی، یعنی انسجام، مشارکت و اعتماد اجتماعی وجود دارد. به عبارت دیگر، افزایش سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن، یعنی انسجام، مشارکت و اعتماد اجتماعی با افزایش



میزان شادی دانشجویان همراه است. شاور<sup>۱</sup> و هازان<sup>۲</sup> (۱۹۸۸) دریافتند بین شادی و ارتباط مثبت با دیگران، هم‌بستگی معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد. به اعتقاد وینهوون (۱۹۹۴) فراوانی تماس با دوستان، به شدت با شادی رابطه دارد. در همین راستا، کامان<sup>۳</sup> و فلت<sup>۴</sup> (۱۹۸۳) دریافتند افرادی که شاد هستند، احساس نزدیکی بیشتری با دیگران داشته، اعتماد بیشتری به دیگران دارند، بیشتر علاقمندند با دیگران باشند و احساس تنهایی نمی‌کنند (مرادی و همکاران، ۱۳۸۱). از نظر برادبرن و کاپلوتیز، مشارکت و موقعیت اجتماعی، بیشتر از دیگر عوامل محیطی در افزایش شادمانی افراد تأثیر دارد. این یافته‌های تحقیق با مطالعات برادبرن و کاپلوتیز (۱۹۶۵)، فیلیس (۱۹۶۷)، کوپر و همکاران (۱۹۹۲)، هالر و هادلر (۲۰۰۶) و پوتنام مطابقت دارد.

یکی دیگر از نتایج تحقیق حاضر، وجود هم‌بستگی معنی‌دار و مستقیم بین سرمایه اقتصادی و میزان شادی است؛ اما شدت هم‌بستگی سرمایه اقتصادی در قیاس با سرمایه‌های دیگر در حد ضعیف بوده است؛ یعنی افزایش سرمایه اقتصادی دانشجویان، با افزایش میزان شادی آن‌ها همراه است اما مقدار افزایش میزان شادی کم است. لین (۲۰۰۰) اعتقاد دارد تأکید بر پول با به حاشیه رانده شدن حوزه‌های خصوصی و خودمانی و در نتیجه، تشدید اضطراب‌ها و کاهش رضایت و شادمانی منجر شده است. اوت (۲۰۰۱) در نقد نظر لین اظهار می‌کند به واسطه گسترش آزادی‌ها، اثرات منفی بازار و پول بر شادمانی جبران شده و به ثابت ماندن سطح شادمانی منجر شده است. لابربرا<sup>۵</sup> و گورهان<sup>۶</sup> (۱۹۹۷) معتقدند میزان درآمد بر میزان شادی افراد مذهبی تأثیرگذار بوده است. ونهوون (۱۹۹۱) چنین مطرح می‌کند که درآمد، به تأمین نیازهای معین افراد کمک می‌کند؛ بنابراین از عوامل شادی و بهزیستی ذهنی افراد است. آرجیل (۱۹۹۹) معتقد است بین درآمد و شادمانی ارتباط مثبت وجود دارد؛ بنابراین نتایج تحقیق حاضر با نظریه‌های موجود و تحقیقات قبلی همخوانی داشته و همسو با آن‌هاست.

1. Shaver

2. Hazan

3. Kammann

4. Flett

4. La Barbera

5. Gurhan

افزایش سرمایه فرهنگی دانشجویان با افزایش میزان شادی دانشجویان همراه بود. بیشتر شاخص‌های مربوط به سرمایه فرهنگی را فعالیت‌های داوطلبانه‌ای چون موسیقی، مطالعه، کار با اینترنت، بازدید از موزه‌ها، شرکت در همایش‌ها و سمینارها، خطاطی، نقاشی و ورزش و... تشکیل می‌دهد و که در زمره فعالیت‌های اوقات فراغت محسوب می‌شود افراد این فعالیت‌ها را نه از روی اجبار، بلکه از روی علاقه درونی و شخصی خودش انجام می‌دهد. طبق نظریه‌های انگیزش اجتماعی و گزینش عقلانی، از آنجاکه فرد با علاقه و آزادی عمل درباره فعالیت‌های اوقات فراغت و فعالیت‌های فرهنگی تصمیم می‌گیرد؛ این‌گونه فعالیت‌ها حتی وقتی فرد را از نظر جسمانی آزار می‌دهد نیز موجب شادمانی او می‌شود. بندورا (۱۹۷۷) نیز در همین راستا، بر شادی‌بخش بودن این فعالیت‌ها صحه گذاشته است.

تطبیق نتایج تحقیق با نظریه‌ها و تحقیقات قبلی حاکی از آن است که همسویی و سازگاری بین آن‌ها وجود دارد. از همین روست که بسترسازی برای ایجاد سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دانشجویان در جهت افزایش شادی آنان از الزاماتی است که مسئولان و سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی باید به آن اهتمام بورزند.

در راستای افزایش میزان شادی دانشجویان، راهکارهایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. افزایش سرمایه اجتماعی: از مواردی که سبب بروز استرس و ناآرامی در زندگی می‌شود، محیط اجتماعی و روابط اجتماعی فرد است. لازم است برنامه‌ریزی صحیح در این زمینه انجام شود و حتی در متون درسی و آموزشی، مهارت زندگی در جمع به دانشجویان آموزش داده شود. گسترش گروه‌های داوطلبانه و انجمن‌های علمی که دانشجویان با همدیگر باشند و گسترش فضای کارهای گروهی بین دانشجویان نیز کمکی برای این کار است.

از عوامل دیگر نشاط در پژوهش حاضر، تأثیر اعتماد بر نشاط است؛ اعتمادسازی در

دانشجویان از الزامات است و اساتید و مسئولان دانشگاهی باید مراقب رفتار و گفتارهای خود باشند.

انسجام اجتماعی و یکپارچگی و همدلی بین دانشجویان، از دیگر عوامل زمینه‌ساز شادی است. محیط دانشگاهی، موزاییکی اجتماعی و میناتوروری از کل جامعه است. وقتی در جامعه‌ای، افرادی با قومیت‌های مختلف و با زبان و مذهب متنوع وجود دارند، در دانشگاه نیز این شرایط حاکم است و همبستگی و وحدت بین آن‌ها و اعتمادسازی بین آن‌ها زمینه‌ساز شادی آن‌ها می‌شود تقویت هویت ملی و نقاط اشتراک نیز زمینه‌ساز این امر مهم می‌شود.

۲. افزایش سرمایه فرهنگی: برگزاری کلاس‌ها و فعالیت‌های فوق‌برنامه‌ای چون خطاطی، نقاشی، کامپیوتر، مسابقات کتاب‌خوانی و برگزاری اردوهای تفریحی و علمی و زیارتی، زمینه را برای افزایش سرمایه فرهنگی دانشجویان مهیا می‌کند. مسئولان دانشگاهی باید برای افزایش سرمایه فرهنگی دانشجویان، اقدامات عملی را در زمینه‌های یاد شده، سرلوحه فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه قرار دهند.

۳. سرمایه اقتصادی: توجه به نیازهای اولیه دانشجویان در جهت شادی آن‌ها اهمیت دارد. ایجاد اشتغال برای آن‌ها اهمیت خاصی دارد. سیاست‌گذاران جامعه باید برنامه‌های خاصی برای اشتغال بعد از تحصیل و تأمین نیازهای اولیه دانشجویان بعد از فراغت از تحصیل داشته باشند و در دانشگاه، کلاس‌های آموزشی فوق‌برنامه مستمر برای افزایش مهارت‌های کاربردی برگزار کنند.

- جعفری، س. ا و سیادت، س. ع و بهادران، ن (بهار و تابستان ۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر شادابی مدارس، اندیشه‌های نوین تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، دوره ۴ (۲۰۱): ۴۴ تا ۳۱.
- جواهری، ف و باقری، ل (۱۳۸۶)، تأثیر استفاده از اینترنت بر سرمایه اجتماعی و انسانی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم تهران، س ۱۵، (۵۸ و ۵۹).
- چلبی، م و موسوی، س. م (بهار و تابستان ۱۳۸۷)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان، انجمن جامعه‌شناسی، ۹ (۲۰۱): ۵۷ تا ۳۴.
- ربانی، ر و همکاران (بهار ۱۳۸۸)، فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۸.
- زارعی متین، ح و همکاران (بهار و تابستان ۱۳۸۸)، شناسایی مؤلفه‌های نشاط در محیط کار و سنجش وضعیت این مؤلفه‌ها در سازمان‌های اجرایی استان قم، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱ (۲): ۴۸ تا ۳۵.
- زارعی متین، ح و دیگران (تابستان ۱۳۸۸)، نقش دانشگاه در ایجاد عوامل مؤثر بر شادی، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، س ۱۳ (۲).
- شریفی، خ و همکاران (بهار ۱۳۸۹)، وضعیت نشاط و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان طی سال تحصیلی ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، فصلنامه علمی - پژوهشی فیض، دوره ۱۴ (۱): ۶۹ تا ۶۲.
- علوی، ح (پاییز و زمستان ۱۳۸۸)، بررسی رابطه میزان احساس شادی با نوع رفتار در دانشجویان مختلف دانشگاه‌های شهر کرمان، تربیت اسلامی، س ۴ (۹): ۹۵ تا ۱۲۳.
- غفاری، غ (زمستان ۱۳۸۷)، سازه سرمایه فرهنگی و منابع مولد آن، رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره ۱۲ (۲).
- فاضلی، م (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
- کرمی نوری، ر و همکاران (۱۳۸۱)، مطالعه عوامل مؤثر بر احساس شادی و بهزیستی در دانشجویان دانشگاه تهران، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، س ۳۲ (۱): ۴۱ تا ۳۰.

- کشاورز، ا و مولوی، ح و کلاتری، م (زمستان ۱۳۸۷)، رابطه بین سرزندگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با شادکامی در مردم شهر اصفهان، *مطالعات روان‌شناختی*، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، دوره ۴(۳): ۴۵ تا ۶۴.
- کشاورز، ا و وفایان، م (پاییز ۱۳۸۶)، بررسی عوامل تأثیرگذار بر میزان شادکامی، اندیشه و رفتار (روان‌شناسی کاربردی)، ش ۲ (۵): ۵۱ تا ۶۲.
- ممتاز، ف (بهار و تابستان ۱۳۸۳)، معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بورديو، پژوهش‌نامه علوم انسانی، ش ۴۱ و ۴۲.
- موسوی، س.م (۱۳۸۷)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطح خرد و کلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی.
- موسوی، م و علی‌پور، پ (۱۳۹۱)، تأملی بر نظریه سرمایه اجتماعی در جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- میرشاه جعفری، ا و عابدی، م.ر و دریکوندی، ه (۱۳۸۱)، شادمانی و عوامل مؤثر بر آن، تازه‌های علوم شناختی، س ۴(۳).
- نشاط‌دوست، ح.ط و همکاران (بهار ۱۳۸۸)، تعیین عوامل مؤثر در شادکامی کارکنان شرکت فولاد مبارکه، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۰(۳۳)، ش ۱: ۱۰۵ تا ۱۱۸.
- نورآذر، م (۱۳۸۹)، بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر شادمانی زنان شهر تبریز (بیش از ۱۵ سال)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه علوم اجتماعی.
- Christie-Mizell, C. André, Kimura Ida, Aya and Verna M. Keith (2008), African Americans and Physical Health: The Consequences of Self-Esteem and Happiness, *Journal of Black Studies* 2010 40: 1189 originally published online 2 December.
- Gruber, Mauss, Tamir (2011), A Dark Side of Happiness? How, When, and Why Happiness is Not Always Good, *Perspectives on Psychological Science*, May, Vol.6, 3: 22-233.
- Gundelach, Peter and Kreiner, Svend (November 2004), Happiness and Life Satisfaction in Advanced European Countries, *Cross-Cultural Research*, 38 (4): 359-386

- Harphmam, T & et al (2003), Mental Health and Social Capital in Cali, Colombia, *Social Science and medicine*, 53: 1-11.
- Hsieh, Chang-Ming (2011), Money and Happiness: Does age Make a Difference? Ageing & Society, Cambridge University Press: 1-18.
- Kawachi, I (2001), Social capital for Health and Humand Development, *The society for international Development*, Vol 44: 31035.
- Mogilner, C(Septamber2010), The Pursuit of Happiness Time, Money and Social Connection, *Psychological Science*, Vol 21(9): 1348-1354.
- Turner, B(2003), social capital, income inequality and lealth:the Durkheimian rvival, *social theory & health*, 1:4-20.

